

به کله	۳۰۰	روز
شدش ماه	۱۶۰	روز
دنه	۹	روز

# کوره‌ستان

پلاو سه ره و هی بیری - حزبی دیموکراتی گوره سان

۱۹۴۶ - ۱۳

پوار شده‌مود ۲۶ ری بهندان ۱۳۴۶

سایی سکم

مارمی ۱۴

# ماوهی جیونی ساکر به خوبی و اسلام‌قلالی گوره‌ستان

هزارتر، فیدا، کفرم، جوابی، عرض کر زده،  
نمجه‌راستی، جمهوری، که به که نیو جوانی  
هاج، هم کردن و نهادن، بینشیدن، هم کردن و  
قوری، خداگزاران، نزد هم کرده، هم بخواهند، که  
سوی دانوبه، گشته، پیدا باشند، جان که می‌شینکن  
پیچیده، نهاده، و درین داره، بی وچان، دعویی، قدر، مذنب

خوبی، می‌چرخ کرده، و بوقتی:

حاضریم نهم روزنامه‌لر ری دفاع له  
نیشتمان له خوین داشته، قل که  
و فرمونه‌ندی طویل، و سوت فوراً راهی، ماجکره  
و آخربنی لی کرد، نهاده، که دا آنکی سبدان  
جدیدن، نامرد داشتن، هم‌شکر تیو رویش به  
دنگیکی، پلیده، دیگوکتی، بزری، کوره، و کوره‌ستانی  
گکوره، بزری، رویش، جمهوری، پهلوی، گوره‌ستان  
و دلی خانکی، و موش، هیا، بو،

پاش، نهادو، بونی، مراسی، بیت میوه، ۴۰  
دقیقه، شایسته، شنکو، سمل، کرا، و، گوته،  
که بیان، شنیده، ایه، تازی، بینش، هم که ان هدر  
نهاده، داشت.

نهایی، پیش‌دانی، خوشبخت، تازه، به شهو

پیشنهاد، گله خوشده، و یسته کان  
له به یانی روزی ۱۱-۳-۲۴

به این روزی ۱۱-۳-۲۴ همه سر بران  
له خودی، مسی هیلنا و گشت خواری شدیان

هر ده خودنموده، لم کاهه دار تیسی، چمه‌ری، بهرز به  
نهاده، که ای که بیه، مرکزی امر، فرموده که قور آنی، هفتی، و

نهاده، و آلاکی کوره‌ستان، حاضر، بکرت، بی وچان، هیئت، کویونه، و  
دو پندر، لیشت، سری، بیک، کوتنتری، و جون، نه کاتکای، حزبی

دیسو، کرانی، کوره‌ستان، قور آنی، مقدسان، ده گل، آلا، و نشی،  
کوره‌ستان، ده، کل اشتار، ایکی، فوق العاده، لس، سردمشی، ملاجین

شکاک، دامکه، هیئت، بترنی، همول، لیشت، سری، وی، گرانه، و  
آکنی، همه، خوشی، پیشوا، پیشوا، پهندشت، خوی، سه، بروشی

لمسن، فور آی، بقدم، و قشه، و کلای، بورزی، کوره‌ستان، لبرد، و  
مراس، سوئدی، نامن، بخودا، به، کلامی، عظیمی، خودا،

با، اسمنان، به، شهر، افغانی، میکی، صوره، به، آلاکی، مقدسی،  
کوره‌ستان، سوئنده، خوم، گهذا، خواه، همه، نامه، رایان، و

ز، ای، ای، آخر، توکی، خویم، به، ته، به، ممال، لری، ای، ای، کوره‌ستان، ای

سر، بخوبی، و بیک، کر، دله، هر، آلا، کوره‌ستان، ای، کوره‌ی، کوره‌ستان، ای

کوش، و نسبت، به، رای، ن، جمهوری، کوره‌ستان، و

کوره، ۹-۱۴

کوره، ۹-۱۴

پهادستان: به شماره افتخی ملکی گوره، به امای مقسی  
کورهستان سوئنده خود، سه آخ ره ناسیز یا زان و  
رژانی آخر توکی خوش بخوبی به عال لاری کورهستانی  
سر په خوبی و بهار کرده و دن آلای کورهستانی گوره  
گوش و نسبت به ریو س جمهوری گورهستان و

## یه که تی گورد و آفریزایجان مقلع و فادار به

رو خوش کله خوان رومهنان و لک کول  
کش بواهه بر که بفوسور ده بشی خواندا  
ند سه جین له کانکه کو بیوه و همسو  
فرماته کان له قول به کوه بیکر. تارقول  
بیکه و لامسون دسته نه سدر کرد و نه اولاد  
به کوهه ناسدراک و لامسونه نه سدر هیز  
همز یکله جی خوی دا بوزرا. قدرمانی  
قدرهانه هان دلی دوزناتی راده مثان وزراوی  
ختنان دمناندوی و چان قدرمانی حر کدت درا  
و همومیش مدر گکان قول قول و دسته دسته  
سی کس می کس حر کپن کرد و هاتن  
تاواردی شقامی و قابی بون و قدرمانی راومان  
دران و لامسونه سوری شقامدا هموهره لاله  
حی خوی راومان و لسان دران.

لهه لبه بیچی و بوجیه

هستی پیشنهاد پرستی. رزوی پیش نهاد گینی  
و لمسنیور دن. هستی توله کرد هاوه. آرمزوی  
ملحق بیون به شهدان آزادی. جیتنی لذتی  
سر بخوی. هر ز کرده امی آلای مقدس. دمنگی  
دبیلی و ذلیلی دایکی نیشنان. هم لاموزدانه  
و هیتدیلک له مرحله گزنان در جزو و بیدنگ دنایتیو  
و هیدنگ دمانچه هر ده جای ده ایزان. به لهه همومی به  
شانازی ستر بخوی و شاندنی رسی جمهوری کورهستان ده کرا  
و هستگ تاسانی ۱۲ پان نیو رو دنامی به کنگ، لام  
کهه داریش جمهوری بخوی کورهستان دباری  
کرد و لامسونه شقامی و قابی دا دایری و روز  
پاشن اه همودان فرموده لاین پیش مدر گه کان به

پاش نه او بون مراسمی بیوت مهودی ۴۰  
دقیقه داشنکه تانکه مسلل کرد و گوشه  
کهه ایزی شنیزه ای به شاهزادی بیش هم که ایزه  
نهه دهد.  
نهه پیش ای خوشبوست شد به شه  
لاوانی کهه چو راس نهه بیه و نهه اولاد  
راسته چوی خون نهه ای و هفت شهش  
پرسنی و هومندی روز اکبری نهادی و ایش بیه  
کر دیو همرو که نهه نه کهه نه کهه نهه  
هر یکه قدره منکه کوره دسته و بونی پیش  
مدر گکی فداکار و وکلاری دوینیه. بهی  
وطنی عزیز و نهه پیش ای خوشبوست بخون  
بانازه نهه نهه کهه چون چهار خاتی بو نهه روز بیه  
شکران دا دامیوی و همی باده هنیتی لامسون  
نهه ده بیوه و کور و کهه باته به دمن رفته ره کانی  
حقوقی پیش بیوه و دنیل بون. نهه ده هش  
غهیه بازه نهی کردی و نهه لامسونه ده بیوه  
پهساوی کهه ای دلیل و قدره دنت که کاره و  
ز تجیری دلیان له دهسته نهه ده دارندیو و  
دانشین تا بهه بسیگری تو و رونه کات  
رز گلار نه کن.  
نهه دلیان و فرمادن نهی پیش مدر گکه  
پالوکانی کورهستان ایوه کهه دنی  
کمیزیو دی بینیون شنیزی ده کهه ده شنگو  
شکوری شیر بیداریکن کهه جهن جهوده بد  
ایران و بین نهه و ایسی صیف ده دلیل ایوه  
بون. ایوه و بون کهیده بکشیزه کوره  
او لادی صلاح الدین و دوز ایگری تو و دهون  
ههیونهان کهه دهه ایزه همراهی همراهی  
کورهستان تیکشیون. چون ورزیت بیوه و خونی  
ههیونهانه لایه

## مهمنه مجلدی

پیکیک افلاسفه کوئیتی: اختیاجاتی بشری باعث تحریر کی  
اوکاردو ایجادی اختیار کنند.

اگر بر لشی لسی: ایل بو صایرو و تاریخی پیدا یونی ستنتانی  
ستنتانه وردی تو درستی اول قصمان و دست دهد که تویی.

لآخری تو زده هم تا کسبابی ایلستان روزنی در رویی  
در روز برو خواهون کار طاجات احیاجان بروزانی شنگ

دو راه اینچه داشتندانی اکلیسی و ادار کرد که اتری تکردا  
وسایلک بسته و سرعی لوسرانی او دفعه: تکرایه و غرمه

بیزورزی و علیمانی کار خانجات لائزی نه گهشتنی زوالی شنگ

اکمک کری زورل خانجات دو روی دوچاری و قنهی و مهی  
از ازی ساعی (جیز و ای) داکرکی تکرایه و غرمه

چنان اخراج کرا مانیکی وی (استن-ن) الکوموبی درست

کرید و برسیله وی صاحبی کار خانجات لمدیکی کاردان ایلان  
لعنیانی زر دور دانوغالی حمل میکن بیو و کارخانی کار خانجات

و بیار هست ترقیتی منقی و راکنی معروف من المتری دایرودا  
کبروس اشتکی و شیره المایان محضره اعتمادی کرد دافع

پیان آذونه و جواهار لالمان مکری داشتندانی متوجه درست

کردن موادی طبیعی کرد و دخت او ریشم و کاتجو و گلگشتنی  
دینن زنگی تر کمی موادی مشکلکی وان درست کرد لودرهش

دانوغالیون چنانی الشای مجبور کرد پیش بزند درست بکا.

زیجیون، اوسکار، موادی مدنی مانی نقی دنیاه خسوساً  
تست و بکن دیچنگنکری روسی و امریکی و انجیس لسدده دیلوں

هزی بکن دردان کو و کسایری اخترات سرمه زمانی و مذدی  
خانمی هست تلخیری نه نیت و سایری موادی اینجا بدای و سوابی

ارکنی شرو صلحنج نجات بدنا.

بوسل عالمی می دولت اتفاقی رحماتیکی زخمیانیکی زور دان ایلان

هزی اتو هر دست خن و استخدامی تیکن اگرچی تا ویساله ویزه  
ور فاعیتی بیش لسته دیکی تیوازکرایه و لولی بعزمیکه له تهیجی

اکماری خیانی رسی دوت داعیه ایلچه خدمتیکی زور رسالیان  
دکرکسات و آشوده دین شرکتیان دک رخصات و ملائی و دان ایلان

پیشنهاده کردن آن داده ایلچه و زنگی شداثت و تائیکی زند گفتنی  
نمیکن ایلچه و زنگی و زنگی و زنگی و زنگی و زنگی و زنگی و زنگی

نمیکن ایلچه و زنگی و زنگی و زنگی و زنگی و زنگی و زنگی و زنگی

## دو چتی لازم

قصه اوطیشی

هومول: مسئله توینی زمانی شیرشی کوردوی  
به اتفای ایلان که آنکه قاتلی بود و میشی  
کوردوی ملات و ذوریوی خونده و ایلان مانی  
زانه و بنده عقیده وی ناید ده کمک، بیلان  
چاکر و اه که کوردوی به اتفای روسی، بوسی  
چونکه تا است قوشی، آن چیزی زمانی خارجی  
لمیکن ایلانها دین، ایلانها دین، ایلانها دین

خانه هدیت لادختری سه هفت و سایری موادی حیاتی که از کوکن شر و صلح نجات بدها.  
ابوالشاعر سی دولت امیری توحیدی زور داتوان ایران  
هزیر اثربودست خن والشادی ملی یعنی اگرچه توانستالوهین  
پولاهنی علیان سی دولت داهنی تاریخ خود را که زور بمالیان  
انکاری علیان سی دولت داهنی تاریخ خود را که زور بمالیان  
وکارسازد و آشونی شناین دکه نعمات و نیاثین و توان این  
پیغامبریش که زور ایشان را نیز در پیش از شناخت و ثائیتی زندگانی  
چونیز و ولک تاچن دکه ایشان را نیز در پیش از شناخت و ثائیتی زندگانی  
گفین ایشان را نیز در پیش از شناخت و ثائیتی زندگانی  
گفین ایشان را نیز در پیش از شناخت و ثائیتی زندگانی  
گفین ایشان را نیز در پیش از شناخت و ثائیتی زندگانی  
گفین ایشان را نیز در پیش از شناخت و ثائیتی زندگانی

## دو چیز لازم

قب اعظمی

عوامل: مثلاً توپیتی زمانی شیرین کوردی  
به الفای همان که آئی قاتلی بر و میش  
کوتای و ملات و ذوریتی خونه دواران متنی  
زانیمه، پنه غنیده وی ناید ده کم، بلان  
چاکر و اه که کوردی به اینی بروی، بوسی  
چونکی تا این قوشیه کن امیجینی زمانی خارجی  
لغو اینکه هدا درسین فرانشین دستوند و نهادی  
دوا زمانی روسی لمیانی فرانش ده خوشبدریت،  
توپین و خونده ده مردی کوردی و روسی به  
جوریکی بی چاک، همه میلهانه کانی چاهور  
شوده وی زمانی خوبان به اینی روسی ده نون  
ایمش چاوه وان بکین ده گلیزان و فرنگی  
ایمه زور شاستره اهلیتی لاین.

قدوم: القاب وی هملکون له نون و خونده وه  
دا نهاینی چاک، بهده لیلی یهودی خوندا کیمکی  
خشوش بیوه بیوی خوی شنک ده کا؛ وه کو  
ده خرمی، (ایحی پاچی) بالام دوزنی خوی  
با لفاف نیو ده با و ملکه فدوی: (زیبدان ای لمب)  
و پانک کردن به بیوی روزنه بشی محبت وه کفی  
ده که یهندی، پس و اجا که جهه نونین و بجه ده  
کتو گودایه کر به بیوی خونم هدنین و کمنت  
(حضرت، حلب، میرزا، آغا، خان، پیک  
شیخ، موافق، علا، حاجی، بلو...) له سر نیوان  
حلکبرت و لهدومی کاگذان بکرتو کوکا له  
سیانی که و کستانه بکفری: آزرم... با فقط بینو  
و مجل بانکی به کریکین و بنیس سله کو  
خوندن و توپین کوردی باری سوک بیت .

لو ایندی علی کمیا و در میانی مخصوص که  
وی عربی اکبری امیریه و پهنه ای دلین  
الکبیر استانی (المنیان کردنه زیرا و فضیه  
اویان سیران کردو نوچی کشانی خیانی او  
مسنه شی کردن تیکرا علامان کام علیه میان همان  
شروعی که دهنی کیمیا گران ایومی میان  
پیشی کردنی باتزمی ذیر (آیومی ایلام لیک  
چریز و ولک تاچن دکه ایشان را نیز در پیش از  
چنانی شناین ایشان را نیز در پیش از شناخت و ثائیتی زندگانی  
گفین ایشان را نیز در پیش از شناخت و ثائیتی زندگانی  
گفین ایشان را نیز در پیش از شناخت و ثائیتی زندگانی  
گفین ایشان را نیز در پیش از شناخت و ثائیتی زندگانی

هندی هشتی سه ده زمینه بیه (خاکه کوکا کام  
زمگ سور وسین و شنیه) ۲  
در چاوه آی زین (کدو) بعفری نولان  
له سایه بیت و دا زور به آزار به ماره دی  
ده بیمارین شوخانه (سبجه شیرانی کورودی) ۴  
شاره آیی هندران فیت و شنیکی زنیران به (آونکی سه و هندوهی  
سریانی کی زمی و آوه که کوله کی داوم بهه هنداونان بیوی، اوه  
له سایه بیت و دا زور به آزار و ماره دی  
ده بیمارین شوخانه (سبجه شیرانی کورودی) ۶  
نهش آیی زبانه له سیرت و که، میانه به (بابه کوره که ده زانی  
هر و ملکه ده کی زمی و زیوی نونهان بیوت سو  
له سایه بیت و دا زور به آزار و به ماره دی  
ده بیمارین شوخانه (سبجه شیرانی کورودی) ۸  
ده بیت و ایه کبیه خدمتی زم و زیوی ده (زینه خیوه هدوشان  
ده خوش بده زمانی خوی پیه (کشنه که که به آنوم  
له سایه بیت و دا زور به آزار و به ماره دی  
ده بیمارین شوخانه (سبجه شیرانی کورودی)  
آندره و میلاد و میدگن خود بیشنو و نون (بخوش و زیوی دین  
اورده همچی زنوت به کچار به مهربه و بیته پیه (هد خوندن کیت کیجه  
له سایه بیت و دا زور به آزار و به ماره دی  
ده بیمارین شوخانه (سبجه شیرانی کورودی) ۱۰

## سر و دی ملی سو ر دستان

هزار

ده هشتی سه ده زمینه بیه (خاکه کوکا کام  
زمگ سور وسین و شنیه) ۲  
در چاوه آی زین (کدو) بعفری نولان  
له سایه بیت و دا زور به آزار به ماره دی  
ده بیمارین شوخانه (سبجه شیرانی کورودی) ۴  
شاره آیی هندران فیت و شنیکی زنیران به (آونکی سه و هندوهی  
سریانی کی زمی و آوه که کوله کی داوم بهه هنداونان بیوی، اوه  
له سایه بیت و دا زور به آزار و ماره دی  
ده بیمارین شوخانه (سبجه شیرانی کورودی) ۶  
نهش آیی زبانه له سیرت و که، میانه به (بابه کوره که ده زانی  
هر و ملکه ده کی زمی و زیوی نونهان بیوت سو  
له سایه بیت و دا زور به آزار و به ماره دی  
ده بیمارین شوخانه (سبجه شیرانی کورودی) ۸  
ده بیت و ایه کبیه خدمتی زم و زیوی ده (زینه خیوه هدوشان  
ده خوش بده زمانی خوی پیه (کشنه که که به آنوم  
له سایه بیت و دا زور به آزار و به ماره دی  
ده بیمارین شوخانه (سبجه شیرانی کورودی)  
آندره و میلاد و میدگن خود بیشنو و نون (بخوش و زیوی دین  
اورده همچی زنوت به کچار به مهربه و بیته پیه (هد خوندن کیت کیجه  
له سایه بیت و دا زور به آزار و به ماره دی  
ده بیمارین شوخانه (سبجه شیرانی کورودی) ۱۰

## ۹۴۵ میله‌ی قرر ان به جنابی<sup>\*</sup> (پیشوا)

- سدهی زرده ۱۳ زی نایانی کورد شیخ مروان نوی  
 ۲۱ - تئوری البصیر فی التحصیر عن الکتب  
 ۲۲ - دو روی الزریح فی مذهب آن سد المیث  
 ۲۳ - عقد بند هر فی مذاقیت‌الاسلامی انتخیب فی بیوه التحصیر  
 ۲۴ - نظام اعراف  
 ۲۵ - تئوری المقول فی احادیث مولاد الرسول  
 ۲۶ - تئوری القلوب فی مدح حبيب علام الیوب  
 ۲۷ - احمدی ترجمی عربی به کوردی  
 ۲۸ - الہمزة (ناقص)  
 ۲۹ - التجزیه الاسنی فی الصوات المستعملة علی اسما الحسن  
 ۳۰ - تئوری الشیخ فی الصوات المستعملة علی اسما الشیخ الشافعی  
 ۳۱ - ایزهار الشفاطی فی الصوات المستعملة علی الشفاطی  
 ۳۲ - راجحة الرواح فی الصوات المستعملة علی خاصائص حبیب‌ملک  
 الفتح، ۳۳ - کتف الاسنی الصلاة والسلام علی پیداھل الشرف  
 ۳۴ - کتف الشافعی پذکار الصلاح والصلوة  
 ۳۵ - فتح الرزاق فی اذکار رفع الاملاک وجلب الارزان  
 ۳۶ - شرح علم الاستمارات  
 ۳۷ - شرح الرساله الوظیمه  
 ۲۸ - البرهن الجای فی مناقب البد علی  
 ۳۹ - اوقی العری فی الصلاة والسلام علی خیر الوری  
 ۴۰ - اصلاح المجهجة وذلة الجهة علی الطاعن فی نسب سادات  
 البرزنجیه (تمم کیمیت‌صایع و...) ۴۱ - السراج الراجح فی مدح صاحب  
 العراج، ۴۲ - وسیله‌ی الرسول الی علم الاموال  
 ۴۳ - تخیص البردیه - کلمه طردی صفر ۱۴۴۶ دانلداوی کرد  
 ۴۴ - تخیص باتت سعد  
 ۴۵ - شفای القلم فی تخیص لایمه العجم المعروفة بلایمه الکرد  
 ۴۶ - تخیص المضریه  
 ۴۷ - تخیص اللئم عیشا  
 ۴۸ - تخیص یاسن بری  
 ۴۹ - شرح المدر بدکر لایمه البد  
 ۵۰ - الروحة اللئما فی الدعا باسما الله الحنی  
 ۵۱ - التیفیت بباب النصریف  
 ۵۲ - شرح قلم القراءیش  
 ۵۳ - ارجوزة فی فتنه القبر حین سوا التکری والمنکر  
 ۵۴ - ای شده مخلوق  
 بیچگانه لدانه سبیلیه (بیتد علی لایمه من نعمات الکردیه)  
 فارسیه علی نعمات الکردیه ایضاً علی نعمات الکردیه ای مخادرش  
 توپیوه ماموتانی یهرز ملامحمد قربانی له (التعرف) (دانلدو)  
 جو کلمه همچو، کلمه البد و... همچو عورتی به زبان

برای خوده و بست کاش هنمان شمشی بر هدیه  
 شعر حکی کوپیویه و ددلی : زبانش هزاران  
 سل چو و مزوی و مزویه کوشتن دانی با و  
 و در هلهی - کوردان نه زیر جنگلکوکی مستبدنه کان  
 نوا ثورو و بستهای خودی بی هزاونا ولا گلبری  
 دولته دیمو کارایه کان و هوی زده مدت  
 کشانیکی لاوی و شیدی کورد «جنابی»  
 قاضی محمله‌ی قیس جمهوری کوردستان «جنابی»  
 و آزادی خومان و باب و یاهیمان. گه بشتبین :  
 کوردان سریخونون، آلای سورو سین و سوز  
 هرزو و مدد روشنیه و، له ایداره و اولرا خانه کان  
 به کوردی دم خوینه و دندنسین .

میورادم ولک ایده له سایه‌ی گوله کنیکی  
 جوان و به فایده آدمان خوارد و دهه و بینه‌ی تیمان  
 شکانه‌و براکانی تریشمانت به هریوی به گوله  
 گهنه آو و بدرینه شادو رز و گازین.

## ۹۴۶ مدرسی گهلاویز

- ماومی زماره ۱۳  
 ۵ - شعرو و نازاریکی آغای حسن حسین بور لمدر  
 زو و پرسنی زمانی کوردی ۶ - شرو و تیهی  
 آغای جو کل گوهره‌ی لمدر شوق بسکار  
 ۷ - خویندن و موه‌های سینکی بینین بور  
 آغالی طذزاده ۸ - ووتاری بینی آغای  
 سید عبدالله طذزاده لمدر بیوسی خویندنی  
 زمانی کوردی بسده‌ی همان ۹ - خویندن و می  
 پیشیری میالی لله‌لیان تواوی الام کانی اسوه‌ی تاچانه  
 لدیانش یه وای مدقنی کوردستان بداریانشانی  
 خوبیان کاریزه دستنی و زهمت کشنه کان  
 بیور و بایهندی لایانه‌دهه دولی کومه‌گوی و باره‌تی  
 زورتری فائز و دو روتوای حسن حسین بور  
 جو کلمه همچو، کلمه البد و... همچو عورتی به زبان

همو موزانین که قور آن که و مردن کل‌امو  
 قاتونیکه که خوده‌ی هرزوی دروست کس داده  
 بیوه‌ی هری طردوه، هوقاتونه آسایه که آتاری  
 شومی دمودره‌ی نازانی تزویز و کرد و، کابکی  
 ذلی به عالمی بدشتدا، عرب لعمری خوبان به  
 سحرای سورانی هریستانا بیدربر دو و لعده  
 بیشانی تمنی بی مش بون و لدمدریه نازان دا  
 قوم بون لاسایعی قور آندا بو که امیر اطروه بینکی  
 مزبان لد دنیا تسلکی ها که هستندی  
 چهار خانی ایتم بیوهان، نه که شنوه قور آن خونی  
 بشری که مو زور حرم و ملائی به نهادی  
 منی بیوه‌ی هری فرازی بشر داده و له کل هیج  
 چویک که بیانی لسیر عدالت و دیمو کراسی  
 خیفی دلار ایم ملائی نیا و آشینی عدادی به جوان  
 ترین و جوی بودمش رأیین کردوه : قور آن  
 قانونی کلک و نمسی چوار سه ملون مسلمانه  
 و چارده بچرخه مسلمانان اروآکانی نوری و سدا  
 دم زن نهاده که میوره کورد هم مسلما و قانونی  
 تاسیان چویکه نهاده که میوری هوقاتونه بیز و  
 لدمدره و نهاده قور ایه هدیه بینی معکزی حری  
 دینو که کانی کوردستان خوبی گزارد بیلکی  
 تایه‌تی که وسیله که ملکیتی عقلاد و احسانی  
 بخدمت و پیش و پیش و پیش و پیش و پیش  
 نه، بوزری رکوردستان بیشکیش بیکان زوریان  
 بیز رده و پنگکن شمشیر کلان زیر، ایسین  
 چال، ملک، عصای مرسع و... هیجانی به سان  
 نهار ایچونکه نمی‌شوابه همچو عورتی به زران

٥٠ - الروحة الثنا في الدعاء باسم الله الحسنى  
٥١ - التبريف بابواه التبريف  
٥٢ - شرح حلم الغرائب  
٥٣ - ارجوزة في فتن القبر حين مثوا الكبار والشجر  
٥٤ - اى شعر مطلق

بیچنگله لمانه سه اصیده (میست) علی قایقه من همات الكردية \*

فارسی علی نهات الكردية ایضاً علی نهات الكردية (کی مختاریش توسيویه ماموتانی بهزیز نهاده) (التریف) (دانلی)  
چنان شیخ معروف طبیعی کردیه له شیخ علیی (دولیبو)  
و نهاده له شیخ اسلامیه اذانتانی و هر گز تووه دلین له همری  
محمدی پاشی عبدالرحمن پاشا کیشنه له نیون مولانا خانله و  
شیخ بدوفدایره ظاهریه له سر تم کیته بیوه کمولان خانله  
سلیمانیه یه چی هشتنه وجنه بنداد و لویو و بروانه و بوداده  
ماوهنه شیخ معروف که منخری کوردو و ساده ای هر زنجبه به  
التأریخی ۱۲۵۳ هـ. ق. باشی له تهمنی ۸۷ سالیدا له سلامیانه به  
رحمت چو و ولسرانه کردیک که یه چاو خوبیه و خود ریه  
سندهونه دن کراوه . عذری خوی به ترس و تغایل و ارشاد  
را یاریه سه زمانی عربی و فارسی و کردی شعری داهامه کتبی  
ایشمه مخاوه و نوی شعری فارسیتی که له هایتی فاصاحتده  
کتبی احمدی به کوردیده .  
له هعومی لایه الکردده بدعیری دملی :  
العلم و الفضل للإنسان مثیر حق  
فضلى کثار القرى ليلا على جبل  
وعند فکرى سوا ظافعه و جنی  
اما له الرأى. ماسى عن الخطط  
وحاجة الفعل ذاتى لدى المعلم  
ديسان هدرلم تخدميه دا دملی :  
ـ من مال للعمال او للجاد ساد به  
بالنفس خاطر یعنی في ما منه  
ـ ولا یاها لي بحتف في مذاقه  
ـ حـ السلام يـئـيـ عـزمـ سـاحـهـ  
ـ عن العـمالـ وـ بـهـيـ العـراـيـاـكـيلـ

زمانی کوردو بوجه مان ٩ - خوشندن و موسی  
پهچنیه و میله که مدنیه عقائد و امسان  
پهچنیه و میله که مدنیه عقائد و امسان  
لیلیانش شیوه و ای مقلعی کوردستان به درماتانی  
خوبیان کاریه دستن و زیستت که شهه کان  
له فوتا بخته نهی لازمه دهه قولی کومه گوچه برانی  
زورتری دهه مو و سوتانی من حسن سور  
جز کل کامه هاری که معاویه کی کسم فیزی  
خوشنیدن بون خلاصی کردن و بختیه چی که میلیک  
له گکوره کاتسان لهدت بری بیر و مری داده دستی  
میش کدو تونه و ساز . ونی فوتا بخانه میری  
نهاوخنایه طبری آمریتینان توسي و له آخری دا  
چنانی هادیقی تهییکی جزئیه کیان و مرسو  
و چند دا ایه هات . ملی داودی

سیم رهه و نیشکن شنیش کلان زر . ایش  
چان . ملک . عصایر مرصع . . . هیجان به باش  
ندان ایونکه تم بتوشه همه عمری به زارت  
و چو اسندری بسیه سردهه تهروهه و داریانه الای  
وی هیچه بشترین شی دنیاوا کانیز له روشی  
یه نهاده سکا و هیچ و مسني علاوه همایی دنیاهه بمه  
و اغلب عیادتی خنو له وی کورد داده بهشت  
کر دوده لمیزه همانه بیان زارا رسک جلد  
قول آن مجیدی اعلا که مایه ساده می کوردو  
خوشی هتی همیع پهندره ده گل دوده دانه هرمال  
که تهایش له اماری اسلامیان و نهانی بیشوازی  
جدر زن بیتایه تی که هم ذاهله به بشکه کسدرو  
سد ساله بینیو قنواته لصر دمسزوری فور آن  
بجزونه موکاری دن و دنیاهی خلکلیان یک هیاوه  
هدیده خواه لات پکری هیده تی مک کفری خرسی  
دیسو کرانی کوردستان روزی هیجنوسی دمی بیانی  
له کانکای حزب خانه بون آغاچی چدری رسک  
شور آن مجیدی اعلای کله دیر کی محضر دایو  
و شای توره هی بسرا دا کشرا بایوه ده گل دوو  
هر سال هالکرت و نهیش هیده توهه و هدیده تیش  
پهزتیکی تایه تی له شت آغاچی چدری کوته  
تری تایه حضوری مبارک شریاق بون له که دا آغاچی  
جهیدر ده گل استرامیکی زور کلام الله عظیم  
و مددوهر فاله کله دیر میزی بیشوا دنبا و کونی  
ـ (الخوداده موخان نهی قور آنه بارزو ماوه زر دنباو  
ـ نیش تی ) پیشوا هایلایه شیعیه . کلامی عظیمی  
ـ هدلکس تر و قاره تی : چو رف بو همه تهونه که کورد

## ٥٥٥ که و تی

چنانی هتی بیک

زوری ـ ٤٤ ـ ١١ ـ ٢٤ ـ هم دهه دهه و تی

چنانی هتی بیک که مددرو

مان و مدهم کوت که بو بدهای چارونی و

دلخوشی کار گهارانی اداریه دو ناهه و چنانی هتی

کوردستان نه خودا دم خوازین ، و مسین

خدسته ملیدا موقع بن

شور آن عذز سزو که و رته نه و افوار آنسی

عقلیم قبول کرد و دوویه رهله کشم هدیه کرد

بعحزب پاشان آغاچی غنی خسروی کونی : قوربان

ـ تمدهشیکانه قور آن که و متر نهیو که بیشوازی

ـ پهزی عدهه پیکنین نه و افوار آنسان خدیه کردی

ـ حاضرین کیانو مالی خومنان لبـهـیـاـنـهـ جـهـتـاـیـاـ

ـ بـهـخـتـهـ بـهـکـنـهـ وـیـسـوـیـهـ بـهـزـهـ لهـ اـحـسـانـیـ کـبـتـیـ

ـ سـعـرـ کـسـزـیـ اـلـهـارـیـ خـوـشـهـیـ وـ بـلـلـهـ لـهـ

ـ مـهـرـ حـمـعـتـیـ قـوـرـهـ موـ لـهـ اـسـانـیـ ١١ـ هـیـثـتـهـ لـهـ

ـ مـزـنـسـ بـوـنـ وـبـرـ وـمـاقـیـ کـبـتـیـ سـعـرـ کـسـزـیـ

ـ کـرـانـهـ وـهـ قـادـرـ مـدـرـسـیـ



خان و هفتاد و سی خانه (البته) گزیده جنوبی  
مردمی خوان و بکی پهلوان و ناهوییدی  
گزیده خان و بکی پهلوان و دستی غیره  
کوشیده گلنه (کمن) قتلله غلت آن کشیده بازن الله  
والله مع اماراتن روزانه اخ علیاً اورت اقتدا  
الآن نصر الله فرب  
ماوی لذیارت - ۱۵

## مشتراتی نوسراو بو

نیابت چمهور

۱۵۹ تجییع دستوری ژماره

۲۲-۱۱-۱۴-۳۳ کوشیده مدر که ذی  
هزینی دیمو در ایام کوردستان له  
پایکیکدا ملت بی پهلوی در دندی دلی خریان  
پایا خسایا پیشکشکه می دیسی  
بهمودی. کوردستان بکدن متواتی  
نوسر و ته نیاده بی : (دیسی جمهوری  
کوردستان) بیت

زاینی میزی نیشانی ایمه که کوردستانی  
کوردیه ایسله گورمهش و هست و یامونی  
و آزایی بیو با پایه بر گوره چاکانه ای ایسه  
که بی سازیونی کوردیه نیشانی کوردستان  
بیکار و دل خوبیان داو و له و دیه داعزار  
شون خوبیان پسرهاتون آگادار ده کات .

پیشنهاد تمهن پاربو  
نه آفای همزی و واوه ماش به موجب  
نایه پیواری ۱۱-۱۹-۳۳ میله ای پیشنهاد  
تمهنی به عنوان کمک به هیز تحول داده  
و شریحی زوره تهی راجع به خدمت  
بدیرام مقدس و کوزده رای تو سیوه  
هیزله میالت و نیشان پهلوی وی سپاس  
دوی کاست .

فخر مایه هی که هنده مهار کزی دیمو کراتی  
و درختان سر . ملحد تانوا را ازده .

خطری بعب انسی باز رز کار کا  
رادیویی مکو  
رادیوی مکو خبری دا که روئی یکشموی زانه دو  
۹۱ له صدله که مسانی حقی دانی رانه همه بهینه زانه  
اتحاد جماهیر شوروی شر کت یان گن دوه

## آگاداری

به هوی نهونسر او له سر قهارانی کوئینه مهر  
کزی حزین دیمو کرات کوره دستان به ته و اونه مو  
رینی حکوموتی کوره دستان و مرات راهه که بینه ریت  
هر کس له هدر ممهوریکه به هدر نیوی لمه نیکت  
چه زد تمدن بوهله لو رادنی کاریکی (جه قافونی) چه  
شرعی وغیره) بر تیلوری شو بدات و باوره بکری به اش  
معاون یونیه خانی ملت و مملکت دنناسر یو قراری  
مجازاتی نهو کسانش له ده مل جبی هتا کوشتن  
(اعدام) تصویب و مقرر کراوه .  
کوشیده مهار کزی حزین دیمو کرات کوره دستان  
که بیکار و دل خوبیان داو و له و دیه داعزار  
شون خوبیان پسرهاتون آگادار ده کات .

کوردانی کچیرا کوره ایتی بیو همو بی قسمه هری شه  
بله و مزو ظالمانه نه کوزاوهه و شو کوره دستانه سو همه  
ایمه کمیشنه و ده پاکی نیشانی ایمه نیمه کی پنیه یونی کشون کوردانی  
را بر دوی ایمه کوره دستانی خوش نهود و میش تکسی کی  
خواره له امهه بمهایه گشته نه ویس ایمه شه بکیون دن . کوره  
وزیش خوان و نیشان خوان آن دار بکین به کوره و کنجی  
خوان بیی بن که ده ایش هن کی بیان اهدومند و هر کنی  
نیشان خوان و کوره خوبن دا قید اکاری بکن .

مهایاد شه قامی و فای چاپ خانه کوره دستان

دایله و خزابه خشراه کاریک که له متونده و مهی  
کوره دستان که دایله و خزابه خشراه کاریک که له متونده و مهی  
د. متونی دا دینه ایشکاری بکات له همه رهه موز  
راسو و قبول کراوه که خونینه کی (میزو)  
تیکشتنی خونینه واران زو و چلا روتا کو به عیز  
ده کات .

کردن هموم کاره بارانه ده داده  
دلی بیو که مانه که کاردا دلاره بان دهی  
بله سی گورمی بیداده کاه همه تامیزی نیشانی  
خوبان تمانانه که بن نیم خونینه و له که ده  
خوشیه دیقیتوه بروز و چا کیو خبر و پهله که می  
نه حالی تانی فازاتجی نه واوی نیشانان و مه گیر  
نا کوی .

زاینی میزی نیشانی ایمه که کوردستانی  
کوردیه ایسله گورمهش و هست و یامونی  
و آزایی بیو با پایه بر گوره چاکانه ای ایسه  
که بی سازیونی کوردیه نیشانی کوردستان  
بیکار و دل خوبیان داو و له و دیه داعزار  
شون خوبیان پسرهاتون آگادار ده کات .

پیشنهاد تمهن پاربو  
نه آفای همزی و واوه ماش به موجب  
نایه پیواری ۱۱-۱۹-۳۳ میله ای پیشنهاد  
تمهنی به عنوان کمک به هیز تحول داده  
و شریحی زوره تهی راجع به خدمت  
بدیرام مقدس و کوزده رای تو سیوه  
هیزله میالت و نیشان پهلوی وی سپاس  
دوی کاست .

فخر مایه هی که هنده مهار کزی دیمو کراتی  
و درختان سر . ملحد تانوا را ازده .